

## تحلیل محتوای قرار موقت دیوان بین المللی دادگستری در قضیه نقض معاهده مودت و روابط اقتصادی و حقوق کنسولی بین ایران و امریکا ۱۹۵۵ (ایران علیه امریکا)

بهمن بهری خیایوی<sup>۱</sup>، علیرضا پاکنژاد<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری حقوق بین الملل عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی زنجان.  
<sup>۲</sup> کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، مدرس دانشگاه پیام نور مشکین شهر.

نام نویسنده مسئول:

بهمن بهری خیایوی

### چکیده

با خروج ایالات متحده امریکا از برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) و اعمال تحریم های مختلف علیه جمهوری اسلامی ایران، دادخواستی توسط ایران علیه ایالات متحده امریکا در ۱۶ جولای ۲۰۱۸ بر اساس عهدنامه مودت و روابط اقتصادی و حقوق کنسولی بین ایران و امریکا سال ۱۹۵۵، در دیوان بین المللی دادگستری به ثبت رسید و همزمان به دلیل آثار مخرب و غیرقابل جبران تحریم ها، درخواست صدور قرار موقت از طرف دیوان شد. دیوان پس از استماع درخواست ها و دفاعیات طرفین، در ۳ اکتبر ۲۰۱۸، اقدام به صدور قرار موقتی کرد و در آن ضمن احراز صلاحیت خود، اعمال تحریم های امریکا را در مواردی مغایر معاهده مودت ۱۹۵۵، تلقی کرد و بدین منظور خواستار لغو تحریم های مرتبط با دارو و تجهیزات پزشکی، اقلام غذایی و کشاورزی و قطعات و تجهیزات هواپیما و خدمات تامین و نگهداری لازم برای ایمنی هواپیمایی شد؛ و در ادامه خواستار تضمین ارائه مجوز توسط امریکا برای واردات، و نقل و انتقال وجوه برای موارد ذکر شده گردید و در پایان از طرفین خواست تا از هرگونه اقدامی که باعث تشدید یا گسترش اختلاف گردند، خودداری نمایند. ما در این مقاله بر آن خواهیم بود که ابتدا به طور مختصر با مفهوم قرار موقت آشنا شویم و در ادامه قرار صادره توسط دیوان در قضیه نقض معاهده مودت و روابط اقتصادی و حقوق کنسولی ۱۹۵۵، بین ایران و ایالات متحده امریکا را تحلیل و بررسی نماییم.

**واژگان کلیدی:** معاهده مودت ۱۹۵۵، دیوان بین المللی دادگستری، قرار موقت،

برجام، تحریم

**مقدمه**

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، رابطه دو کشور ایران و ایالات متحده آمریکا، در اشکال مختلف سیاسی، اقتصادی، نظامی و... دچار چالش های فراوانی گردید. بدین لحاظ از سال های نخستین انقلاب تا امروز، آمریکا، تحریم ها اقتصادی متنوعی را علیه ایران اتخاذ کرده است که اوج آن در راستای فعالیت های هسته ای ایران که به ظن آمریکا دارای بعد نظامی بود، اتخاذ گردید. همراستا با این تحریم ها، شورای امنیت سازمان ملل نیز از سال ۲۰۰۶، قطعنامه های مختلفی را علیه ایران صادر کرد و خواستار توقف برخی از فعالیت های هسته ای ایران شد و در کنار این درخواست، تحریم های مختلفی را نیز برقرار نمود.

اما با مذاکراتی که بین کشورهای ۱+۵، نماینده اتحادیه اروپا و ایران صورت گرفت، توافقنامه ای تحت عنوان برنامه جامع اقدام مشترک (برجام)<sup>۱</sup> در رابطه با برنامه هسته ای ایران مورد توافق قرار گرفت، بگونه ای که این توافقنامه ضمیمه قطعنامه ۲۲۳۱ گردید و بر اساس آن تحریم های شورای امنیت سازمان ملل متحد و تحریم های چندجانبه و ملی مربوط به برنامه هسته ای ایران، لغو گردید. اما با تغییر دولت ایالات متحد و روی کار آمدن آقای دونالد ترامپ، ایالات متحده آمریکا از این توافقنامه خارج و در ۸ می ۲۰۱۸، تحریم های سابق را برگرداند و حتی فراتر از آن، تحریم های جدیدی را نیز اتخاذ نمود که بیان گردید که در ۶ اوت ۲۰۱۸ و ۴ نوامبر ۲۰۱۸، اضافه خواهند شد. طبق تحریم ها، بانک مرکزی و دیگر بانک های ایران، هواپیما، خرید و فروش اوراق بهادار، فلزات گرانبها، صنایع انرژی، حمل و نقل، بنادر و کشتی رانی ایران، نفت و محصولات نفتی ایران، خودروسازی، ریال ایران و ... مورد تحریم قرار گرفت.

جمهوری اسلامی ایران در مقابل این تحریم ها، در تاریخ ۱۶ جولای ۲۰۱۸، دادخواست خود را با توجه به عهدنامه مودت و روابط اقتصادی و حقوق کنسولی بین ایران و دولت متحده آمریکا ۱۹۵۵<sup>۲</sup>، بموجب بند ۱ ماده ۳۶ اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری و بند ۲ ماده ۲۱ معاهده مودت علیه آمریکا، به ثبت رسانید، (I.C.J. Reports, 16 July 2018) Application instituting proceedings, 16 July 2018) و همزمان بدلیل آثار مخرب و غیرقابل جبران تصمیم ۸ می ۲۰۱۸، بر اساس ماده ۴۱ اساسنامه دیوان، درخواست صدور قرار موقت را نیز به ثبت رسانید. (I.C.J. Reports, 16 July 2018).

ما بر آنیم که در این نوشتار، ضمن آشنایی با مفهوم قرار موقت، قرار موقت صادره از طرف دیوان بین المللی دادگستری را در قضیه نقض عهدنامه مودت و روابط اقتصادی و حقوق کنسولی بین ایران و دولت متحده آمریکا ۱۹۵۵، ایران علیه آمریکا را مورد بررسی قرار دهیم. بدین منظور برای بررسی بهتر قرار صادره، به آرای گذشته دیوان و برخی اسناد بین المللی رجوع خواهیم کرد.

**قرار موقت**

در اکثریت سیستم های حقوقی بین المللی و داخلی، نهاد رسیدگی کننده به دعوی، اختیار صدور قرارهای تأمین را برای حفظ حقوق طرفین و حفظ وضعیت موجود تا صدور رای نهایی را دارد. برای نمونه در مبحث اول فصل ششم قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب (در امور مدنی) به موضوع تأمین خواسته پرداخته است که طبق آن خواهان می تواند قبل از تقدیم دادخواست یا ضمن دادخواست راجع به اصل دعوا یا در جریان دادرسی تا وقتی که حکم قطعی صادر نشده است، از دادگاه درخواست تأمین خواسته نماید و دادگاه مکلف به قبول آن است.<sup>۳</sup>

بطور کلی در عرصه بین المللی قرارهای موقت عمدتاً برای دو هدف اتخاذ می شود که هر دو هدف برای حفظ وضع موجود است ۱- برای حمایت های موقتی از حقوق متضاد طرفین ۲- برای جلوگیری از تشدید اختلاف. (Bhattacharya, 2013: 514)

با عنایت به اینکه دیوان بین المللی دادگستری دارای دو نوع صلاحیت ذاتی و تبعی است؛ بدین معنی که صلاحیت ذاتی مبتنی بر رضایت دولت ها است که بر اساس ماده ۳۶ اساسنامه دیوان و یا بموجب معاهدات و کنفرانس ها، احراز می گردد و صلاحیت تبعی بر این معنا است که وقتی دیوان در باب موضوعی دارای صلاحیت می گردد، بالطبع در تمام موضوعات تبعی آن نیز دارای صلاحیت می شود. صلاحیت تبعی مبتنی بر رضایت طرفین نیست از جمله ایرادات مقدماتی، ورود ثالث، پذیرش دعوی متقابل و قرار موقت. بنابراین صدور دستور موقت مبتنی بر رضایت دولت ها نیست و اختیار پذیرش درخواست قرار موقت از سوی طرفین و صدور آن فقط نزد دیوان است. در این راستا دیوان بین المللی دادگستری مشابه دیوان دائمی بین المللی دادگستری در ماده ۴۱ اساسنامه خود اعلام می دارد که:

۱- دیوان بین المللی دادگستری اختیار دارد در صورتی که تشخیص دهد که اوضاع و احوال ایجاب می کند اقداماتی را که باید برای حفظ حقوق طرفین موقتاً به عمل آید انجام دهد.

<sup>۱</sup> Joint Comprehensive Plan of Action(JCPOA)

<sup>۲</sup> Treaty of Amity, Economic Relations, and Consular Rights, Iran and United States of America 1955

<sup>۳</sup> ماده ۱۰۸ قانون آئین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب (در امور مدنی) تاریخ تصویب: ۱۳۷۹/۰۱/۲۱

۲- تا صدور حکم قطعی تعیین این اقدامات باید فوراً به طرفین اختلاف و به شورای امنیت ابلاغ گردد.<sup>۱</sup>

دیوان مقررات و نحوه صدور قرار موقت را در مواد ۶۱، ۶۲ و ۷۳ تا ۷۸ آیین دادرسی خود تشریح نموده است. دیوان بارها مبادرت به صدور قرار موقت نموده است. برای نمونه در دستور موقت خود در قضیه مسائل مربوط به تعهد به پیگیری قضایی یا استرداد مجرمین، (بلژیک علیه سنگال)، دیوان هدف از قرار موقت را صیانت از حقوق طرفین تا زمان تصمیم نهایی است و باید بین حقوق مورد ادعایی طرفین و اقدامات موقتی درخواست شده، پیوند برقرار باشد. در ادامه دیوان اشاره می کند که اختیار او در تعیین اقدامات موقتی در صورتی اعمال می شود که فوریتی وجود داشته باشد. یعنی یک خطر واقعی و قریب الوقوع (حتمی) وجود داشته باشد که ممکن است ضرر و زیان غیرقابل جبرانی به حقوق مورد اختلاف، قبل از تصمیم نهایی، وارد شود (I.C.J. Reports ORDER OF 28 MAY 2009, para56,57).<sup>۲</sup>

فوریت تصمیم گیری در قرار موقت بگونه ای است که بر اساس ماده ۷۴ آیین دادرسی خود دیوان، حتی اگر دیوان جلسه ای نداشته باشد، فوراً اقدام به تشکیل جلسه برای تصمیم گیری در خصوص صدور قرار موقت می کند (Jochen Abr, 2012: 55)

عبارت "ندای اجرای عدالت"<sup>۳</sup> عبارتی است که دیوان در قضیه مربوط به اونا و سایر اتباع مکزیک، بیان است که طبق آن دیوان اتخاذ اقدامات موقتی را باید مطابق ماده ۷۳ آیین قواعد رسیدگی، در زمان مناسب، تسلیم کند (I.C.J.reports order of 5 february 2003, para.54). بنابراین قبل از صدور قرار موقت، دیوان باید اطمینان یابد که الزامات زیر موجود می باشد:

۱- احراز صلاحیت ظاهری

۲- حفظ حقوق طرفین از خسارات غیرقابل جبران

۳- وجود فوریت، یعنی یک خطر واقعی که در اثر اقدامات ناعادلانه، به حقوق طرفین قبل از تصمیم نهایی خسارات غیرقابل جبران وارد می کند. (Zyberi, 2010:573)

با عنایت به این بیان دیوان و مفهوم وجودی قرارهای موقت که بصورت موقت و لزوم اقدام فوری صادر می شود، با از بین رفتن این لزوم، قرار موقتی نیز از بین خواهد رفت، اعم از اینکه رسیدگی به قضیه پایان یافته باشد یا شرایط ضرورت دیگر وجود نداشته باشد (صفایی، ۱۳۹۲: ۱۴۶) و مطابق با ماده ۷۶ آیین دادرسی دیوان، دیوان در هر لحظه ای می تواند نسبت به تغییر یا رفع اثر از اقدامات تامینی اقدام نماید.

همچنین در بند ۱۶۹ دستور قرار موقت قضیه درخواست تفسیر رای مورخ ۱۵ ژوئن ۱۹۶۲ در قضیه معبد پره و بهیر، کامبوج علیه تایلند، دیوان ضمن تکرار مطالب فوق، از طرفین می خواهد که از هرگونه اقدامی که ممکن است اختلاف حاضر نزد دیوان را تشدید یا گسترش دهد یا حل و فصل آن را دشوارتر نماید، پرهیز کنند (I.C.J. Reports order of 18 july 2011)

با این وجود تعریفی از قرار موقت در اساسنامه و آیین دادرسی دیوان وجود ندارد اما به طور کلی می توان گفت که "قرارهای تامینی اقداماتی هستند که دیوان به درخواست طرفین و یا راسا در جهت حفظ حقوق طرفین اختلاف و برای حفظ وضعیت موجود تا هنگام رسیدگی و اعلام حکم نهایی و همچنین به خاطر جلوگیری از تشدید و توسعه اختلاف اتخاذ می کند و به وسیله آن به طرفین دستور می دهد از هر اقدامی که می تواند به اجرای حکم نهایی ذیوان لطمه بزند یا اجرای آن را غیر ممکن و موهوم سازد، جدا خودداری نمایند". (فرزانه، ۱۳۷۵: ۸)

## احراز صلاحیت

"صلاحیت به اختیار یک مرجع قضایی یا داوری جهت اجرای عدالت بین اصحاب دعوی از طریق تصمیم گیری نسبت به قضیه مطروحه که برای دولت ها نهایی و لازم الاتباع می باشد اطلاق می گردد (میرعباسی، ۱۳۹۶: ۲۹۳). به موجب یکی از اصول حقوق بین الملل، اصل بر عدم صلاحیت دادگاههای بین المللی است، تا زمانی که خواهان بتواند مبنای صلاحیتی را به دادگاه معرفی کند و یا خواهان به صورت ضمنی یا صریح تقبل صلاحیت کند (همان: ۲۹۵).

بر این اساس، دیوان بین المللی دادگستری قبل از اقدام به رسیدگی به اختلاف و صدور رای، باید مبنای صلاحیتی خود را که بر اساس رضایت دولت ها برای رسیدگی دیوان به اختلاف مطروحه است را احراز نماید.

با عنایت به رویه دیوان بین المللی دادگستری در قضایای مختلف، می توان به این نتیجه رسید که در صدور قرار تامینی، دیوان ابتدا صلاحیت خود را به صورت اجمالی و ظاهری احراز می کند و وارد جزئیات فنی و دقیق احراز صلاحیت نمی شود و کافی است که مبنای

<sup>1</sup> the statute of international court of justice, art.41

<sup>۲</sup> برای دسترسی به ترجمه فارسی آرا و نظرات دیوان بین المللی دادگستری مراجعه کنید به: ضیائی بیگلری، محمدرضا، همکاران، آرا و نظریات مشورتی

دیوان بین المللی دادگستری، تهران، علامه طباطبایی، جلد ۱ تا ۵، ۱۳۹۷

<sup>3</sup> the sound administration of justice

عدم صلاحیت دیوان در ظاهر احراز نگردد و بدین گونه دیوان خود را دارای صلاحیت برای صدور قرار تامینی، بداند. بنابراین می توان بیان کرد که در صورتی که دیوان صلاحیت ظاهری را تشخیص دهد، می تواند اقدام به صدور قرار موقت نماید؛ البته این به معنی احراز صلاحیت جهت پرداختن به ماهیت قضیه نیست و ممکن است در مرحله ماهیت، دیوان خود را واجد صلاحیت برای ورود به ماهیت قضیه نداند (صدیق، ۱۳۸۶: ۱).

برای نمونه این امر را می تواند در قضیه مربوط به اونا و سایر اتباع مکزیکی مشاهده کرد که دیوان در قرار موقت خود اشاره می کند که مقررات مورد استناد خواهان، به صورت علی الظاهر، مبنایی را بدست می دهد که صلاحیت دیوان می تواند بر آن مبتنی شود. همچنین دیوان در قضیه اجرای کنوانسیون بین المللی محو کلیه اشکال تبعیض نژادی (گرجستان علیه فدراسیون روسیه)، در صدور قرار موقت خود اشاره می نماید که دیوان به طور خودکار نسبت به اختلافات حقوقی میان کشورها صلاحیت ندارد و نیازمند رضایت دولت ها می باشد اما در درخواست اتخاذ اقدامات موقتی، همینکه مقررات مورد استناد خواهان، علی الظاهر نشان دهد که دیوان صلاحیت رسیدگی به دعوا را دارد، کافی است و قابلیت قرار گرفتن در چارچوب مقررات عهدنامه تبعیض نژادی برای اثبات وجود اختلاف میان طرفین کافی است و شرط ضروری برای دیوان برای احراز صلاحیت ظاهری می باشد.

بطور مشخص دیوان در دستور موقت خود در قضیه مسائل مربوط به تعهد به پیگیری قضایی یا استرداد مجرمین، بلژیک علیه سنگال، در بند ۴۰، قسمت صلاحیت ظاهری<sup>۱</sup>، به این سوال پاسخ می دهد که آیا در صدور دستور موقت، نیاز است دیوان بطور قطعی قانع شود که صلاحیت رسیدگی به دعوا را دارد؟ و نتیجه می گیرد که دیوان تنها در صورتی می تواند اقدامات موقتی را اتخاذ نماید که به نظر برسد مقررات مورد استناد خواهان، مبنایی است که دیوان می تواند صلاحیتش را بر آن استوار سازد (I.C.J. reports order of 28 may 2009, para.40).

بنابراین دیوان برای صدور قرار موقت باید علی الظاهر، صلاحیت خود را احراز نماید چرا که ضرورت حفظ حقوق اصحاب دعوی نمی تواند مجوز صلاحیت رسیدگی به اموری را که خارج از صلاحیت دیوان، باشد (صفایی، ۱۳۹۲: ۱۴۵). دیوان در دعوای اخیر ایران علیه امریکا مربوط به قضیه نقض عهدنامه مودت و روابط اقتصادی و حقوق کنسولی، در بند ۲۴ ضمن اشاره به قضیه جده دعوای هند علیه پاکستان در سال ۲۰۱۸، بیان می کند که قرار موقتی تنها در صورتی قابل اتخاذ است که به طور اولیه و ظاهری، مبنای صلاحیتی آن احراز شود و نیازی نیست که صلاحیت آن بصورت کامل احراز شود.

### وجود اختلاف بین طرفین

در این قضیه ایران ضمن اشاره به بند ۱ ماده ۳۶ که دیوان را واجد صلاحیت می داند برای رسیدگی به دعوایی که به موجب عهدنامه و قراردادهای جاری پیش بینی شده است، به بند ۲ ماده ۲۱ عهدنامه مودت استناد می کند که این ماده بیان می دارد:

"هر اختلافی بین طرفین معظمین متعاهدین در مورد تفسیر یا اجرای عهدنامه فعلی که از طریق دیپلماسی به نحو رضایت بخش فیصله نیابد به دیوان دادگستری بین المللی ارجاع خواهد شد مگر این که طرفین معظمین متعاهدین موافقت کنند که اختلاف به وسائل صلح جویانه دیگری حل شود."

بنابراین دیوان باید دو موضوع را بررسی نماید، وجود اختلاف بین طرفین آیا وجود دارد و همچنین اختلاف در تفسیر یا اجرای عهدنامه مودت. دیوان در بند ۲۹ دستور قرار موقت، به وجود اختلاف بین طرفین را با عنایت به وجود دیدگاه های متضاد در مسئله اجرای تعهدات و همچنین عدم اختلاف طرفین در وجود اختلاف اذعان دارد. احراز وجود اختلاف بین طرفین را می تواند رویه دیوان نیز مشاهده کرد. برای نمونه در رای مشورتی قضیه تفسیر معاهدات صلح با بلغارستان، مجارستان و رومانی در سال ۱۹۵۰، دیوان اشاره می کند که اختلاف وجود دارد زیرا اتهام معینی علیه کشور خاصی بعمل آمده است و آنها آن اتهامات را رد کرده اند و از سوی دیگر این اختلافات تابع مقررات مربوط به حل و فصل اختلافات مندرج در معاهدات صلح می باشد (Advisory Opinion, I.C.J. Reports 1950, p.74).

دیوان در قضیه حاضر نیز در باب احراز وجود اختلاف به قضایای مختلفی همچون قرار موقت دعوای اکراین علیه روسیه در سال ۲۰۱۷، اعتراضات مقدماتی دعوای نیکاراگوئه علیه کلمبیا اشاره و بر رد ادعای یک طرف توسط طرف دیگر تاکید می کند. در قضیه نقض عهدنامه مودت، ایران بر وجود اختلاف در تفسیر و اجرای عهدنامه مودت تاکید دارد و در این باب بر نقض تعهدات توسط ایالات متحده امریکا در رابطه با بند ۱ ماده ۴ (رفتار منصفانه و عادلانه)، بند ۲ ماده ۷ (ممنوعیت ایجاد محدودیت بر استرداد و انتقال ارز)، بند ۱ و ۲ ماده ۸ (ایجاد رفتار مناسب تر نسبت به صادرات و واردات محصولات)، بند ۲ ماده ۹ (رفتار مناسب تر نسبت به اتباع و شرکت های طرفین در واردات و صادرات)، بند ۳ ماده ۹ (عدم تبعیض علیه وارد کنندگان یا صادر کنندگان نسبت به بیمه دریایی) و بند ۱ ماده ۱۰ (آزادی

<sup>1</sup> PRIMA FACIE JURISDICTION

تجارت و دریانوردی)، اشاره می نماید که در نتیجه اعمال مجدد تحریم هایی است که از ۸ می ۲۰۱۸ توسط ایالات متحده امریکا برقرار شده است و گفته شده است که تحریم ها بیشتر خواهد.

در مقابل ایالات متحده امریکا، اختلاف بین طرفین را ناشی از تفسیر یا اجرای عهدنامه مودت ۱۹۵۵ نمی داند و بلکه ناشی از اختلافات در چارچوب برجام تلقی می کند. و اعمال تحریم های ۸ می ۲۰۱۸ را استثنائات مندرج در بند ۱ ماده ۲۰، بخصوص زیر بند های الف و ب عهدنامه مودت توجیه می کند و در نتیجه اختلاف جاری را ناشی از عهدنامه مودت نمی داند. بند یک ماده ۲۰ عهدنامه مودت مقرر می دارد که:

"عهدنامه فعلی مانع اجرای اقدامات ذیل نخواهد بود:

الف - اقدامات مربوط به تنظیم ورود یا صدور زر و سیم.

ب - اقدامات مربوط به موادی که ذرات آنها قابل شکافتن است و مواد فرعی رادیواکتیو یا منابع آن.

ج - اقدامات مربوط به تنظیم تولید یا تجارت اسلحه و مهمات و آلات و ادوات جنگی یا تجارت سایر موادی که مستقیم یا غیر مستقیم به منظور تهیه لوازم برای یک مؤسسه نظامی صورت پذیرد.

د - اقدامات لازم جهت ایفاء تعهدات یک طرف معظم متعاهد برای حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین المللی یا جهت حفظ منافع اساسی طرف مزبور از لحاظ امنیت"<sup>۱</sup>.

همچنین ایالات متحده اشاره ای نیز به مکانیسم حل اختلافات در برجام می کند که با عنایت به اعتقاد امریکا به وجود اختلاف در چارچوب برجام، دیوان صلاحیت رسیدگی به این دعوا را ندارد و اختلاف باید در چارچوب مکانیسم پیش بینی شده در برجام، برطرف شود. عنایت به مفاد برجام از پیش بینی مکانیسمی که شامل کمیسیون مشترک از اعضای گروه ۱+۵ و ایران می باشد که در صورت عدم نتیجه گیری در این کمیسیون، شاکمی می تواند موضوع را شورای امنیت سازمان ملل متحد ارجاع دهد و یا بعنوان مبنایی برای توقف کلی یا جزئی اجرای تعهداتش وفق برجام قلمداد نماید.

با عنایت به ذیل بند ب و د بند ۱ ماده ۲۰، ایالات متحده امریکا، بیان می دارد که اعمال تحریم های مذکور با توجه به رفتار ایران در نقض برجام و با توسل به ذیل بند ب بند ۱ ماده ۲۰ اعمال شده است تا از تکثیر مواد هسته ای حساس جلوگیری شود و در نتیجه باعث ایجاد نگرانی های امنیتی ملی برای امریکا شده است که با عنایت به ذیل بند د بند ۱ ماده ۲۰ قابل توجیه است.

نمونه این نوع ادعا در رای ۱۹۸۶ قضیه مربوط به فعالیت های نظامی و شبه نظامی در نیکاراگوئه و علیه آن، نیز توسط امریکا بیان گردید که دیوان در بند ۲۸۲ بیان می دارد که مسائل مربوط به امنیت امریکا که در ماده ۲۱ معاهده مودت، بازرگانی و دریانوردی ۱۹۵۶، ذکر شده است، باید توسط دیوان بررسی شود و در این قضیه دیوان نتیجه می گیرد که اقدامات امریکا نمی تواند بعنوان اقدامات ضروری برای حفاظت از منافع اساسی ایالات متحده موجه باشد (i.c.j. reports 27 june 1986).

همین در قضیه سکوهای نفتی، ایالات متحده حمله به سکوها را در راستای حفظ امنیت اساسی خود مندرج در ذیل بند د بند ۱ ماده ۲۰ و دفاع مشروع قلمداد کرد که دیوان پس از بررسی وقایع و استنادات طرفین، در بند ۷۸ رای خود، این استدلالات ایالات متحده را نپذیرفت و حمله به سکوها را اقدامی برای حفظ منافع اساسی ایالات متحده قلمداد نکرد (i.c.j. Reports 6 november 2003, para.78).

دیوان در دستور موقت خود ضمن اینکه به استنادات طرفین اشاره می کند، بیان می دارد که خروج امریکا از برجام به خودی خود نشان دهنده اختلاف در تفسیر یا اجرای عهدنامه مودت نیست. اما بطور کلی، تحریم های اتخاذ شده توسط ایالات متحده پس از خروج از برجام ممکن است تعهدات خاصی را تحت عهدنامه مودت ۱۹۵۵ را نقض کرده باشد. در این راستا می توان به قضیه مربوط به سکوهای نفتی ایران علیه امریکا اشاره کرد که در ایرات مقدماتی سال ۱۹۹۶ دیوان در بند ۲۰ و ۲۱ اشاره دارد که معاهده ۱۹۵۵ دربردارنده هیچ مقرراتی نیست که صریحا موارد و موضوعات خاصی را از صلاحیت دیوان خارج نماید و در نتیجه معاهده تعهداتی را در مقولات مختلف برای طرفین تعیین کرده است و هر گونه اقدامی از سوی طرفین که با این تعهدات ناسازگار و متعارض باشد، صرفنظر از ابزار و راه هایی که بدان وسیله آن اقدام واقع شده باشد، غیرقانونی است.

لذا دیوان با عنایت به موادی از معاهده مودت همچون آزادی تجارت و صادرات و واردات بین دو کشور و همچنین قوانین مربوط به پرداخت و انتقال وجوه بین طرفین، اعمال تحریم هایی که در نتیجه خروج از برجام، منجر به لغو مجوزهای اعطا شده برای معاملات و فعالیت های مالی بین دو کشور می شود را غیرقانونی و نقض تعهدات ایالات متحده در خصوص مواد خاصی از معاهده مودت تلقی می

<sup>1</sup> Treaty of Amity, Economic Relations, and Consular Rights. Signed at Tehran, on 15 August 1955, art.20(1)

نماید و این وجود این اعمال را بعنوان اینکه اختلاف در تفسیر و اجرای معاهده مودت است را کافی می‌داند. همچنین دیوان در بند ۳۹ دستور موقت، وجود مکانیسم مخصوص حل اختلافات در برجام را مانع از رسیدگی دیوان در محدوده معاهده مودت نمی‌داند.

### طی مسیر دیپلماتیک و مذاکره قبل از رجوع به دیوان

بند ۲ ماده ۲۱ معاهده مودت بیان میدارد که:

"هر اختلافی بین طرفین معاهدین در مورد تفسیر یا اجرای عهدنامه فعلی که از طریق دیپلماسی به نحو رضایت بخش فیصله نیابد به دیوان دادگستری بین‌المللی ارجاع خواهد شد مگر این که طرفین معاهدین متعاهدین موافقت کنند که اختلاف به وسائل صلح‌جویانه دیگری حل شود."

یکی از ایراداتی که ایالات متحده آمریکا نسبت به طرح دعوا در دیوان توسط ایران وارد می‌دانست، عدم طی مسیر دیپلماتیک و مذاکره نسبت به حل اختلاف است که در بند ۲ ماده ۲۱ به آن اشاره شده است. اما ایران در مقابل این اعتراض ایالات متحده، به دو نامه ۱۱ ژوئن و ۱۰ ژوئن ۲۰۱۸ اشاره می‌کند که از طریق حافظ منافع آمریکا در ایران یعنی دولت سوئیس به ایالات متحده ارسال شده است و در آن دو نامه ضمن اشاره به تعهدات ایالات متحده در معاهده مودت، بر لزوم توقف فوری و عدم تمدید تحریم‌ها که ناقض تعهدات بین‌المللی ایالات متحده است اشاره می‌کند و در صورت عدم توقف، به اجرای حقوقی قانونی خود تحت قوانین بین‌الملل تاکید می‌کند. این در استدلال خود ادامه می‌دهد که علی‌رغم ارسال دو نامه به دولت ایالات متحده، اما هیچ پاسخی از این کشور دریافت ننموده است.

در مقابل، ایالات متحده، بیان میدارد که دولت ایران بدنبال تلاش واقعی برای مذاکره در باب موضوع مورد اختلاف نیست و زمان ارسال این نامه‌ها به گونه‌ای بود که فرصت مشورت درباره نقض معاهده یا تلاش برای حل اختلاف از طریق دیپلماسی را به این کشور نداده است. آمریکا بر این اعتقاد بود که حل اختلافات از طریق دیپلماتیک یک امر شکلی تشریفاتی نیست و یک امر موضوعی می‌باشد و لذا دیوان باید همچون قضیه گرجستان علیه روسیه، تصریح نماید که واژه‌ها دارای معنا می‌باشند و نه اینکه صوری بکار رفته‌اند و در صورت به بن بست رسیدن مذاکرات، امکان رجوع به دیوان باشد؛ در حالی که ایران این امر را رعایت نکرده است.

اما دیوان نگاه دیگری به بند ۲ ماده ۲۱ دارد؛ بدینگونه که شروط این بند برای حل اختلاف از طریق دیپلماسی را دارای خصوصیت توصیفی می‌داند و بنابراین نیازی نمی‌بیند که وارد بررسی این امر شود که آیا مذاکرات بصورت جدی انجام گرفته است یا خیر و همین که اختلاف به دیوان ارجاع شده است، را بمعنی عدم حل اختلاف از طریق دیپلماسی تلقی می‌کند. این نوع استدلال را دیوان در گذشته در قضیه سکوه‌های نفتی نیز بیان نموده بود. بدینگونه که در آن قضیه در مقابل ایراد ایران به عدم طی مسیر مذاکره قبل از دعوای متقابل ایالات متحده، دیوان در بند ۱۰۷ خاطر نشان می‌سازد که اختلاف میان طرفین در خصوص موضوعات مطروحه در دعوای متقابل را احراز نموده است و همین ارجاع به دیوان، نشان از عدم فیصله از راه دیپلماسی می‌باشد.

نقطه مقابل این استدلال دیوان، در ایرادات مقدماتی قضیه اجرای عهدنامه بین‌المللی امحای کلیه اشکال تبعیض نژادی، گرجستان علیه روسیه، بیان شده است. در این قضیه یکی از ایراداتی که در باب امکان ارجاع دعوا به دیوان وجود داشت، عدم رعایت پیش شرط مذاکره قبل از ارجاع دعوا به دیوان بین‌المللی دادگستری بود. ماده ۲۲ کنوانسیون بین‌المللی رفع هر نوع تبعیض نژادی بیان می‌دارد که: "اختلافات بین دو یا چند دولت عاقد راجع به تفسیر و یا اجرای قرارداد حاضر که از طریق مذاکره یا از طریق دیگر مصرح در این قرارداد حل و فصل نشود بنا به درخواست هر یک از طرفین اختلاف به دادگاه بین‌المللی دادگستری ارجاع خواهد شد تا راجع به آن رأی دهد مشروط بر اینکه طرفین اختلاف در مورد راه حل دیگری توافق نکرده باشند" (A/RES/20/2106).

با عنایت به این ماده دیوان، لزوم انجام مذاکرات را قبل از ارجاع اختلاف به دیوان، پیش شرط ضروری می‌داند که از متن ماده ۲۲ کنوانسیون بین‌المللی رفع هر نوع تبعیض نژادی، به وضوح قابل استنباط است.

همچنین در بند ۳۶ قرار موقت دعوای بین قطر و امارات در سال ۲۰۱۸، دیوان از قطر می‌خواهد که اثبات نماید که براساس ماده ۲۲ کنوانسیون بین‌المللی رفع هر نوع تبعیض نژادی، آیا تلاش‌ها و اقدامات لازم و معقول را برای توسل به مذاکره، انجام داده است یا نه و با وجود تلاش‌ها، نتیجه‌ای نگرفته است. لذا عبارات به کار گرفته شده در معاهده بعنوان پیش شرط رجوع به دیوان، دارای مفاهیم مختلفی است که در دعوای مربوط به نقض معاهده مودت، این عبارات دارای خصوصیات توصیفی می‌باشد.

البته دیوان علاوه بر توصیفی بودن لزوم مذاکره مندرج در بند ۲ ماده ۲۱ پیمان مودت، قبل از ارجاع به دیوان، به دو نامه ارسالی توسط ایران به آمریکا هم اشاره می‌نماید و عدم پاسخ توسط دولت آمریکا به این نامه‌ها را به منزله عدم فیصله اختلاف از طرق دیپلماسی تلقی می‌کند.



## الزام آور بودن قرار موقت

تا رای سال ۲۰۰۱ دیوان در قضیه لاگران، در باب الزام آور بودن قرار موقت، ابهاماتی وجود داشت که دیوان در فزازی از رای خود در این قضیه، ماهیت الزام آور بودن قرار موقت را بررسی نموده است. بدین ترتیب که دیوان بدلیل ابهام در متن انگلیسی و فرانسوی ماده ۴۱ اساسنامه دیوان در خصوص ماهیت الزام آور بودن قرار موقت، لاجرم از منشور، عهدنامه وین در خصوص حقوق معاهدات کمک می گیرد. بدین ترتیب که بموجب ماده ۹۲ منشور، اساسنامه دیوان جزء لاینفک منشور می باشد و مطابق با ماده ۱۱۱ منشور، متون فرانسوی و انگلیسی داساسنامه دیوان، دارای اعتبار یکسان هستند. لذا دیوان نگاهی به بند ۴ ماده ۳۳ عهدنامه وین در خصوص حقوق معاهدات می اندازد که منعکس کننده حقوق بین الملل عرفی می باشد. این ماده بیان میدارد که در صورت اختلاف معنایی متون معتبر، باید بر اساس موضوع و هدف معاهده تصمیم گیری نمود و لذا دیوان نتیجه می گیرد که عقیده به غیرالزام آور بودن ماده ۴۱، مخالف موضوع و هدف آن ماده است که برای حفظ و جلوگیری از لطمه به حقوق طرفین تا صدور رای نهایی اتخاذ شده است (I.C.J. Reports 2001, para 101). همچنین دیوان در این رای به اصل مورد شناسایی شده دیوان اشاره دارد که طرفین باید از هرگونه اقدامی که موجب وخیم یا بیشتر شدن اختلاف گردد، خودداری کنند؛ و نتیجه می گیرد که این اصل نیز حاکی از الزام آور بودن قرار دیوان می باشد (Ibid, para 103).

سایر مراجع قضایی بین المللی همچون دادگاه اروپایی حقوق بشر نیز بر الزام آور بودن قرار موقت تاکید دارند. برای نمونه در قضیه ماماتکوف و عسکروف علیه ترکیه صادر گردید، الزام آور بودن قرار موقت مورد اشاره قرار گرفته است (صفایی، ۱۳۹۲: ۱۵۴). لذا دیوان در قضیه مورد بحث مقاله حاضر نیز در قالب بند ۱۰۰ قرار موقت خود با اشاره به قضیه لاگران، اشاره می کند که دستور اقدامات موقتی الزام آور می باشد و برای طرفین، تعهدات حقوقی بین المللی بار می کند.

## حقوق محفوظ در قرار تامینی

همانگونه که اشاره شد طبق ماده ۴۱ اساسنامه دیوان، قرار موقت در باب حقوق ضروری است که طرفین در موارد خاصی تا زمان تصمیم گیری نهایی درخواست می کنند و بدین ترتیب دیوان ضمن اطمینان از وجود احتمال نقض چنین حقوقی، با صدور دستور قرار موقت در جهت حفظ این حقوق، گام بر می دارد. دیوان در سابقه دستورات قرار موقتی خود، به این امر پرداخته است. برای نمونه در بند ۶۳ قرار موقت صادره خود در سال ۲۰۱۷ مربوط به قضیه اجرای عهدنامه بین المللی امحای کلیه اشکال تبعیض نژادی، اکراین علیه روسیه، بیان می دارد که تنها در صورت اطمینان از حقوق طرفین درخواست کننده قرار موقت، صدور دستور موقت را قبول خواهد کرد (I.C.J. Reports Order of 19 april 2017). همچنین در دیگر قرار های موقت دیوان عینا این مطلب بیان شده است که از جمله در بند ۷۱ قضیه مصونیتها و تعقیبات کیفری، گینه استوایی علیه فرانسه (I.C.J. Reports Order of 7 December 2016, para. 171) و همچنین بند ۲۲ قرار موقت ۳ مارس ۲۰۱۴ قضیه سوالات مربوط به مصادره و توقیف برخی اسناد و اطلاعات خاص، تیمور شرقی علیه استرالیا. (I.C.J. Reports Order of 3 March 2014, para.22)

دیوان در قضیه نقض معاهده مودت نیز در بند ۵۳ به این امر عینا پرداخته است و در ادامه اشاره می نماید که حقوق مورد درخواست ایران باید با صدور دستور موقت پیوندی وجود داشته باشد و بنابراین احتمال نقض حقوق خاص ادعایی ایران در اثر نقض معاهده مودت وجود داشته باشد. در این راستا ایران اعمال تحریم های بعد از ۸ می ۲۰۱۸ را بعنوان نقض حقوق خود تحت معاهده مودت می داند که از جمله بند و ۱ و ۲ و ۳ ماده ۴ معاهده مودت که بر رفتار منصفانه وعادلانه با اتباع و شرکت های طرفین تاکید و تبعیض علیه آنها را در واردات و صادرات، امور دریایی، بیمه و... را ممنوع می کند. بنابراین امریکا باید از اعمال تحریم ها بخصوص بخش (۲) مندرج در فرمان اجرایی ۶ آگوست ۲۰۱۸، که هر افراد و شرکت ملی نفت ایران و بانک مرکزی ایران را هدف قرار داده است، خودداری و از اعمال تحریم های جدید خودداری نماید و به شرایط قبل از ۸ می ۲۰۱۸ بازگردد؛ چرا که این تحریم ها، بخش مالی و حمل و نقل و نفت ایران خدمات بیمه ای و دریانوردی اتباع و شرکت های ایرانی را محدود و ممنوع می کند. همچنین ایران به بند ۱ ماده هفت معاهده مودت اشاره می کند که در اثر تحریم های امریکا مبنی بر ممنوعیت خرید اسکناس دلار امریکا و خرید و فروش معاملات مربوط به ریال ایران، باعث ایجاد محدودیت بر درآمد و نقل و انتقالات وجوه به ایران شده است.

در ادامه ایران بند ۲۱ و ۸ ماده معاهده مودت را نیز بیان میدارد که بر اثر تحریم های ایالات متحده، واردات هر محصولی از ایران را منع کرده است. بنابراین ایران خواستار لغو این مجوزهای ممنوعیتی است که حتی واردات مواد غذایی و خدماتی مرتبط با ایران را نیز ممنوع کرده است. همچنین ایران معتقد که بر اساس بند ۱ ماده ۱۰ در قلمرو طرفین، آزادی تجارت و دریانوردی بر قرار باید باشد و بنابراین اعمال تحریم ها ناقض این تعهد خواهد بود. ایران از دیوان می خواهد که امریکا کلیه تحریم های ۸ می ۲۰۱۸ را تعلیق و تحریم جدیدی را وضع ننماید و اجرای کامل مجوزهای صادره در مورد قراردادهای فروش هواپیما و قطعات آن را تضمین نماید و همچنین امریکا

تضمین دهد که قرار موقت را نسبت به اتباع ایرانی و امریکایی و غیر امریکایی اجرا خواهد کرد و از هر گونه اقدام مبنی بر مخدوش کردن عهدنامه مودت خودداری نماید.

لازم به ذکر است که وکلای ایرانی در جلسات شفاهی اعمال این تحریم ها را موضوعی نگران کننده می داند که زندگی ۸۱ میلیون نفر ایران را تحت تاثیرات شدید قرار می دهد و این تحریم ها را واجد آثار منفی بر حقوق بشر ایران دانستند و برای نمونه به منفی شدن رشد ناخالص ملی، بیکاری و مشکلاتی از این دست تاکید کردند و همچنین تحریم بانک پاسارگارد اشاره کردند که در تامین مالی واردات دارو فعالیت می کند. ایران در درخواست خود به لغو قرار دادهای خرید هواپیما بر اثر تحریم ها اشاره می کند و معتقد است که با ناوگان هوایی ایران به این دلیل قدیمی مانده است و خرید قطعات و سایر تجهیزات هواپیما، آموزش خلبانان و ... مورد محدودیت و ممنوعیت قرار گرفته است و اگر هیچ کاری برای جلوگیری از تامین این نیازها انجام نگیرد، منجر به خسارات غیرقابل جبران انسانی خواهد شد و خطر جدی برای سلامت ایرانیان خواهد گردید.

در مقابل دولت امریکا ضمن اینکه اختلاف مطروح را در حوزه معاهده مودت نمی دانست، بیان نمود که تحریم های ایران بدلیل فعالیت های تروریستی و حمایت از این گروه ها و همچنین فعالیت های موشکی ایران دانست و اعمال تحریم ها را مطابق با حقوق بین الملل و در راستای حفظ امنیت و منافع ملی امریکا و تصمیمات شورای امنیت و آژانس بین المللی انرژی اتمی تلقی می نمود. همچنین وکلای دولت امریکا به بیانات رهبری و رئیس جمهوری ایران اشاره می کنند و بر این اساس وجود مشکلات اقتصادی در ایران را بدلیل سوء مدیریت ها و مشکلات داخلی ایران تلقی می کنند و نه اعلام تحریم ها توسط ایالات متحده. علاوه بر این، وکلای امریکا بیان می دارند که اعمال تحریم هایی که امور انسان دوستانه را تحت تاثیر قرار دهد را از حوزه تحریم ها خارج شده است و در باب هواپیماهای مسافربری بدلیل حفظ جان مسافران، تدابیری برای اعطای مجوز موردی پیش بینی شده است.

دیوان در نهایت پس از استماع و بررسی درخواست ها و دفاعیات طرفین، حقوق اساسی که ممکن است در اثر اعمال تحریم ها نقض شود را اعلام می کند که جبران خسارات آنها امکان پذیر نخواهد بود. از آن جمله حقوق، حقوق انساندوستانه است که دیوان نگاه ویژه ای نسبت به آنها دارد. بدینگونه دیوان بیان می کند که تحریم های ۸ می ۲۰۱۸، واردات و صادرات بین دو کشور و همچنین پرداخت ها و انتقال وجوه بین طرفین را تحت تاثیر قرار داده است و پیامد آنها ادامه دارد؛ بگونه ای که خرید هواپیما و قطعات یدکی هواپیما غیرنظامی، تعمیر و نگهداری مرتبط با ایمنی هواپیماهایی، اقلام مواد غذایی و کشاورزی، تجهیزات پزشکی، دارو، کالاهای مورد نیاز انساندوستانه بر اثر اعمال تحریم ها تحت تاثیر قرار گرفته است و ایالات متحده باید مجوز انتقال وجوه و پرداخت ها را نسبت به این کالاها و خدمات را اعطا نماید و در پایان دیوان تاکید می کند که هر دو طرف باید از انجام اقداماتی که موجب تشدید یا گسترش اختلاف شود، خودداری نمایند.

همانگونه که از رای دیوان قابل درک است، دیوان بر حقوق انساندوستانه ای متمرکز شده است که ممکن است بر اساس تحریم های ایالات متحده، دچار ضرر و زیان غیرقابل جبران گردند. حق غذا در ماده ۲۵ اعلامیه حقوق بشر<sup>۱</sup> و ماده ۱۱ میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی<sup>۲</sup> از جمله حقوق اساسی بشر نام برده اند. همچنین حق بهداشت و سلامتی نیز در ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۱۲ میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بعنوان یک حق اساسی بشری، مورد شناسایی و تاکید قرار گرفته است.

چنین رویکرد دیوان نسبت به مسائل امنیت انسان ها را می توان در قضیه تنگه کوفو نیز مشاهده کرد که دولت آلبانی را موظف به باخبر ساختن کشتی رانی بین المللی از مین گذاری می دانست. این تهدد را دیوان ناشی از اصول کلی مسلمی مانند اصل اولیه ملاحظات انسانی می دانست (I.C.J. Reports 1949, p.22). در قرار موقت دیوان در قضیه مربوط به اونا و دیگر اتباع مکزیکی نیز شاهد هستیم که دیوان برای حفظ حیات افراد بازداشت شده در امریکا که به اعدام محکوم شده بودند، مبادرت به صدور قرار موقت نمود و از ایالات متحده خواست که تمام تدابیر ضروری را برای جلوگیری از اعدام آن افراد تا تصمیم نهایی را اتخاذ نماید (i.c.j. reports order of 5 february 2003, para.59).

لذا در قضیه مورد بحث ما نیز دیوان با صدور قرار موقت در جهت حفظ حیات و امنیت جانی و سلامتی انسان ها در ایران، مبادرت نموده است و بدین منظور تحریم هایی که مغایر حقوق انساندوستانه باشد را غیرقانونی قلمداد نموده است. در واقع دیوان همانطور که در دعوی بارسلنا ترکشن، اشاره نمود، تعهدات دولت ها نسبت به جامعه بین المللی از جمله حقوق بشر، بخاطر ماهیتشان مربوط به کلیه کشورها می شود و در واقع تعهداتی عام الشمول می باشند (جلالی، ۱۳۸۲: ۵۰).

<sup>1</sup> Universal Declaration of Human Rights. 1948, Article 25.

<sup>2</sup> international Covenant on Economic, Social and Cultural Rights. 1966.Art. 11.



بند دو ماده چهار میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز حقوقی که غیرقابل تخطی هستند را جزو حقوقی می داند که باید توسط همه کشورها، حتی در شرایط اضطراری محترم شمرده شوند. حق بر حیات، از جمله این حقوق است (زمانی، ۱۳۹۶: ۱۱۵) که تحریم های ایالات متحده امریکا ممکن است، حیات و سلامت ایرانیان را در مواردی مورد هدف قرار دهد. نمونه این نوع تحریم ها را که موجب مرگ هزاران نفر شد را سابقا در مورد عراق مشاهده شده است که علی رغم استثنا شدن تحریم های بشردوستانه و پزشکی اما طبق گزارش یونیسف در ۱۹۸۹، نرخ مرگ کودکان زیر ۵ سال به بیش از ۴۰ هزار نفر در سال رسید (همان: ۱۱۸).

لذا تحریم ها بر تعداد بسیاری از شهروندان بی گناه در کشورها از طرق محدودیت دسترسی به غذا و دارو، اختلال در کل اقتصاد، زیرساخت های حیاتی برای حیات و بهداشت و... صدمه وارد می کند (همان: ۱۱۹). بطور کلی اینگونه بئر می رسد که خسارت به اموال به نظر می رسد که در درخواست قرار موقت، مورد قبول دیوان نمی باشد اما ضرر و زیان و تهدید زندگی یا سلامت افراد و یا حتی محیط زیست از جمله مواردی است که دیوان در صدور قرار موقت مد نظر قرار می دهد (Kampen, 2009: 921). علاوه بر این حفظ صلح و امنیت بین المللی نیز از جمله مواردی است که دیوان در لزوم صدور قرار موقت مد نظر قرار می دهد (ibid: 929).

### مسئولیت دولت ها در عدم تشدید و گسترش اختلاف

دیوان در فراز پایانی دستور موقت خود از طرفین می خواهد که از هر اقدامی که ممکن است اختلاف جاری نزد دیوان را تشدید یا گسترش دهد یا حل و فصل آن را پیچیده کند، خودداری نمایند. این نوع درخواست در بیشتر قرارهای موقتی که دیوان صادر می کند، به چشم می خورد. برای نمونه دیوان در بخش اجرایی دستور موقت خود در قضیه فعالیت های نظامی و شبه نظامی در و علیه نیکاراگوئه، از طرفین می خواهد اطمینان دهند که هیچ اقدامی که ممکن است بر تصمیم دیوان خللی وارد کند، اتخاذ نخواهند کرد (I.C.J. reports order of 10 may 1984, para.41).

این نوع رویکرد دیوان بنوعی می تواند در پاسخ به درخواست ایران مبنی بر ارائه تضمین توسط ایالات متحده مبنی بر خودداری از هرگونه اظهارات و اقداماتی مغایر با تصمیم دیوان و عدم تکرار نقض معاهده که در داخواست ایران بیان گردیده بود، تلقی گردد. در این باب می توان استنباط کرد که تشدید تحریم های که مرحله به مرحله ایالات متحده اتخاذ می نماید، در انطباق با دستور موقت دیوان، باید لغو گردد و مانع از مبادلات و نقل و انتقالات وجوه و کالاهایی که در حوزه دستور موقت دیوان قرار می گیرند، نگردد. از طرف دیگر با عنایت به دوطرفه بودن درخواست دیوان، طرف ایرانی دعوا نیز باید از هر گونه تصمیمی که ممکن است، تصمیم دیوان را در رای نهایی، تحت تاثیر قرار دهد و یا اختلافات را تشدید و گسترش دهد، جلوگیری نماید. برای این منظور بنظر می رسد با توجه به دفاعیات ایالات متحده که در بخشی از آن، به فعالیت های موشکی و نظامی ایران اشاره می کنند، می توان نتیجه گرفت که این اعمال به تشدید اختلافات دامن خواهد زد. همچنین از سوی دیگر امکان خروج ایران از توافقنامه برجام نیز ممکن است بعنوان تشدید کننده و گسترش دهنده اختلاف بین دو طرف گردد، که بدین گونه دیوان خواستار جلوگیری از هر گونه اعمال تشدید کننده اختلاف شده است.

باید توجه نمود که دیوان بین المللی دادگستری بعنوان رکن قضایی سازمان ملل متحد، فاقد مکانیسم قوی برای الزام و اجبار دولت ها برای اجرای تصمیمات دیوان است، لذا درخواست از طرفین برای جلوگیری از تشدید و گسترش اختلاف، به نوعی تضمین حقوقی است که دیوان در حوزه اختیارات و توانایی های خود اتخاذ می کند. این نوع رویکرد در قرار موقت قضیه کنوانسیون بین المللی محو کلیه اشکال تبعیض نژادی، دعوی بین قطر و امارات در سال ۲۰۱۸ نیز نمایان است که در پاسخ به درخواست قطر مبنی بر تضمین توسط امارات برای عدم تشدید اختلاف، دیوان از طرفین می خواهد که تضمین دهند برای جلوگیری از تشدید اختلاف بین آنها (I.C.J. Reports Order of 23 July 2018, para. 76).

### نتیجه گیری

بعد از خروج ایالات متحده امریکا از برجام، با وجود پایبندی ایران به این توافقنامه، تحریم های مختلفی علیه ایران توسط امریکا، اتخاذ گردید. متعاقبا جمهوری اسلامی ایران، دادخواستی را در ۱۶ جولای ۲۰۱۸ بر اساس بند ۲ ماده ۲۱ معاهده مودت و روابط اقتصادی و حقوق کنسولی بین ایران و ایالات متحده امریکا ۱۹۵۵، و بند ۱ ماده ۳۶ اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری، در دیوان به ثبت رسانید و همزمان بدلیل ناگوار بودن و غیرقابل جبران بودن آثار تحریم های امریکا، بر اساس ماده ۴۱ اساسنامه دیوان، درخواست قرار موقت نیز در دیوان توسط ایران به ثبت رسید. دیوان پس از بررسی درخواست ها و دفاعیات طرفین اقدام به صدور قرار موقت نمود. بدین صورت که دیوان ابتدا صلاحیت ظاهری خودش را احراز نمود و وجود اختلاف را در تفسیر و اجرای معاهده مودت را بارز دانست.

در طی بررسی صلاحیت، دیوان بر این اعتقاد بود که لزوم طی مسیر دیپلماتیک در بند ۲ ماده ۲۱ معاهده مودت، دارای خصوصیت توصیفی است و دیوان ضروری نمی داند که وارد بررسی تلاش جدی جهت مذاکرات از طرف ایران گردد. همچنین دیوان در این باب، به دو

نامه ارسالی ایران به دولت امریکا در تاریخ های ۱۱ و ۱۹ ژوئن ۲۰۱۸، قبل از ثبت دادخواست اشاره دارد که بدون جواب از سوی دولت امریکا، مواجه شده بود.

دیوان در فرازی از قرار موقت خود بر الزام آور بودن دستور قرار موقت برای طرفین اشاره دارد. بدین صورت دیوان نتیجه می گیرد که ایالات متحده با اعمال تحریم ها، حوزه هایی از مفاد معاهده مودت ۱۹۵۵ را نقض کرده است و لذا ایالات متحده ملزم است طبق تعهدات بین المللی خود در معاهده مودت، موانع ناشی از اقداماتش بموجب تحریم های ۸ می ۲۰۱۸ را در رابطه با موارد زیر بر طرف سازد و تضمین نماید تا مجوزهای لازم برای این موارد صادر و پرداخت ها و معاملات مربوط به آنها انجام شود:

دارو و تجهیزات پزشکی، اقلام غذایی و کشاورزی، قطعات و تجهیزات هواپیما و خدمات تامین و نگهداری لازم برای ایمنی هواپیما؛ موارد ذکر شده در رای دیوان، نشان از توجه دیوان به حقوق بشر و ضروری بودن حفظ حیات و سلامتی شهروندان می باشد که بر اساس خصوصیات و ماهیت قرار موقت، مقابله با نقض موارد مطروحه، ضروری است و عدم توجه به آن باعث خسارات غیرقابل جبران خواهد شد. دیوان در پایان نیز از طرفین می خواهد تا از هر اقدامی که موجب پیچیده شدن اختلاف یا گسترش اختلاف می شود، خودداری نمایند؛ این بیان دیوان در اکثر قرار های موقتی که سابقا صادر کرده است، تکرار شده است و دلیل آن حفظ وضع موجود و جلوگیری از گسترش اختلاف تا زمان صدور رای نهایی است و از طرف دیگر نشان از لزوم رعایت قرار موقت توسط طرفین اختلاف می باشد.

## منابع و مراجع

- [۱] ضیائی بیگدلی، محمدرضا، همکاران (۱۳۹۷)، آرا و نظریات مشورتی دیوان بین المللی دادگستری، جلد ۱، تا ۵، تهران: علامه طباطبائی.
- [۲] میرعباسی، سیدباقر؛ سادات میدانی، سیدحسین (۱۳۹۶)، دادرسی های بین المللی دیوان بین المللی دادگستری در تئوری و عمل، جلد اول، تهران: جنگل.
- [۳] جلالی، محمود (پاییز ۱۳۸۲)، "حقوق بشر در تصمیمات دیوان بین المللی دادگستری"، حقوقی دادگستری، شماره ۴۴، صص ۳۳-۵۴
- [۴] زمانی، سیدقاسم، غریب ابادی، کاظم (بهار ۱۳۹۶)، "تحریم به مثابه تعهدات بین المللی دولت ها در زمینه حمایت از حقوق بشر"، حقوق پزشکی، شماره ۴۰، صص ۱۱۳-۱۳۵
- [۵] صفایی، سیدحسین (زمستان ۱۳۹۲)؛ دادرسی، پیمان، "ماهیت الزام اور یا غیرالزام آور اقدامات تامینی صادره توسط دیوان بین المللی دادگستری"، مطالعات حقوقی، دوره پنجم، شماره ۴، صص ۱۴۱-۱۶۰
- [۶] صدیق، محسن (۱۳۸۶)، "ابعاد حقوقی قرارهای موقت در اسناد و رویه دیوان بین المللی دادگستری"، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه تهران.
- [۷] فرزانه، یوسف (۱۳۷۵) "قرارهای تامینی در رویه دیوان بین المللی دادگستری"، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- [8] Bhattacharya, shouvik, (2013), "Proceeding at Your Own Risk": Evaluating a New Principle of International Law for Provisional Measures, *the yale journal of international law*, vol.38, pp:511-524
- [9] Jochen Abr. Frowein, (2012), "Provisional measures by the International Court of Justice - the LaGrand Case", *Zeitschrift für ausländisches öffentliches Recht und Völkerrecht*, vol.62, pp:55-60
- [10] Kampen, bernhard, (2009), "The Practice of the International Court of Justice on Provisional Measures: The Recent Development", *Max-Planck-Institut für ausländisches öffentliches Recht und Völkerrecht, ZaöRV* 69 ,pp: 919-929
- [11] Zyberi, gentian, (2010), "Provisional Measures of the International Court of Justice in Armed Conflict Situations", *Leiden Journal of International Law*, 23, pp: 571-584
- [۱۲] قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب (در امور مدنی) تاریخ تصویب: ۱۳۷۹/۰۱/۲۱
- [13] I.C.J. Reports order 3 october 2018, Alleged violations of the 1955 treaty of amity, economic relations, and consular rights (islamic republic of iran v. united states of america).
- [14] Application instituting proceedings (16 July 2018), available at: <https://www.icj-cij.org/files/case-related/175/175-20180716-APP-01-00-EN.pdf>
- [15] I.C.J. Reports Order of 23 July 2018, Application of the International Convention on the Elimination of All Forms of Racial Discrimination (Qatar v. United Arab Emirates), Provisional Measures,
- [16] I.C.J. Reports Order of 19 april 2017, Provisional Measures, Application of the International Convention for the Suppression of the Financing of Terrorism and of the International Convention on the Elimination of All Forms of Racial Discrimination (Ukraine v. Russian Federation).
- [17] i.c.j. reports order of 5 february 2003, avena and other mexican nationals (mexico v. united states of america),
- [18] I.C.J. Reports 1949, Corfu Channel (United Kingdom of Great Britain and Northern Ireland v. Albania),
- [19] international Covenant on Economic, Social and Cultural Rights. 1966
- [20] I.C.J. Reports 1950, Advisory Opinion, First Phase, Interpretation of Peace Treaties with Bulgaria, (Hungary and Romania).
- [21] International Convention on the Elimination of All Forms of Racial Discrimination, A/RES/20/2106, (21 december 1965)

- [22] I.C.J. Reports Order of 7 December 2016, Provisional Measures, Immunities and Criminal Proceedings (Equatorial Guinea v. France)
- [23] joint Comprehensive Plan of Action, Vienna, 14 July 2015, available at: <http://undocs.org/S/2015/544>
- [24] LaGrand (Germany v. United States of America), Judgment, I.C.J. Reports 2001
- [25] I.C.J. reports order of 10 may 1984, Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (Nicaragua v. United States of America).
- [26] i.c.j. reports 27 june 1986, , judgment, Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (Nicaragua v. United States of America)
- [27] i.c.j. Reports 6 november 2003, , judgment, Oil Platforms (Islamic Republic of Iran v. United States of America)
- [28] I.C.J. Reports ORDER OF 28 MAY 2009, Questions relating to the Obligation to Prosecute or Extradite (Belgium v. Senegal).
- [29] I.C.J. Reports Order of 3 March 2014, Provisional Measures, Questions relating to the Seizure and Detention of Certain Documents and Data (Timor-Leste v. Australia).
- [30] Request for the indication of provisional measures (16 July 2018), available at: <https://www.icj-cij.org/files/case-related/175/175-20180716-REQ-01-00-EN.pdf>
- [31] I.C.J. Reports order of 18 july 2011, Request for interpretation of the judgment of 15 june 1962 in the case concerning the temple of preah vihear (Cambodia v. Thailand) (CAMBODIA v. THAILAND),
- [32] Security Council, Resolution 2231 (2015), available at: <http://www.un.org/en/sc/2231/>
- [33] The statute of international court of justice
- [34] Treaty of Amity, Economic Relations, and Consular Rights. Signed at Tehran, on 15 August 1955, available at: <https://treaties.un.org/pages/showdetails.aspx?objid=0800000280142196>
- [35] Universal Declaration of Human Rights. 1948